

عقدۀ انگلیسی!

انگلیسی‌ها عقدۀ دارند، عقدۀ فوتبال، ملی، عقدۀ افتخار اروپایی و جهانی. جزیک‌بار در سال ۱۹۶۶ که آن‌هم در مشکوک‌ترین حالت ممکن اتفاق افتاد هیچ افتخار بزرگی در جهان فوتبال ندارند. آنها بین ۱۹۶۶ تا ۲۰۲۱ در هیچ فینال معتبری بازی نکردند و تازه انواع و اقسام تحقیرها را هم از سر گذراندند. همه اینها پیرای مخترعان بازی جهانی تنگی است پس عظیم و همین ننگ بزرگ شده دستمایه «جان اوفارل» برای نگارش داستانی کارآگاهی- فوتبالی به نام «فقط دو دیوید بکهام وجود دارد» است. که حتی ترجمه زیر متوسط «علی شیعه‌علی» هم نتوانسته کتاب را

از نفس
ببندازد.
دوست
داشتم
برایتان
از هسته
داستانی
این کتاب
که توسط
انتشارات
سیزان
منتشر شده
تعریف کنم
اما این، از آن
رمان‌هایی
است که
حتی گفتن
موضوعش

هم لو دادن داستان محسوب می‌شود بنابراین شما را به یک بریده کوتاه میهمان می‌کنم بلکه قلق‌کنان بگیرد «من علت عدم بازی انگلستان در فینال جام جهانی بودم. عامل شکست و فلاکت فوتبال بریتانیا تا ابد. آدم بده من بودم، نه آن همه بد ذات و ناکس تاریخ فوتبال؛ بازیکنان خشن، مدیران دائم الخمر، رای دهندگان فاسد فیفا، هیچ کدام به اندازه این روزنامه‌نگار انگلیسی عامل تباهی فوتبال این کشور نشده بودند؛ مردی که پنبه تیم ملی کشور خودش را زد و انگلستان را از فینال جام جهانی محروم کرد». البته به نظر بنده انگلستان حالا حالاها جام ببر نیست، باز هرچه صلاح می‌دانند!



فقط کافی است پول آن را بپردازید

کتاب «فوتبال جهان را چگونه توصیف می‌کند» به قول وحید نمازی، مترجم اثر مخصوص کسانی است که فوتبال را نمی‌شناسند یا از آن بدشان می‌آید. کتاب فرانکلین فوئر سعی دارد دیدگاه جدیدی از رویدادهای سیاسی و اقتصادی روز را ارائه دهد و در این میان دو موضوع فوتبال و جهانی‌سازی را محور اصلی بحث خود قرار می‌دهد و ارتباط آنها با یکدیگر و تأثیری را که جهانی‌سازی و نظم نوین جهانی روی فوتبال گذاشته‌اند مورد بررسی قرار می‌دهد. از نظر برخی فوتبال امروزی بیشتر به محلی برای تجمع سرمایه‌های نهادهای بزرگ مالی تبدیل شده که به طمع کسب سود بیشتر پول‌های خود را راهی زمین‌های سبز کرده و فوتبال را به ویتروینی برای نمایش تجمل‌گرایی بدل کرده‌اند. نمونه‌های این مساله را امروز در جای جای جهان فوتبال می‌توان مشاهد کرد، از خرید باشگاه‌های کوچک و بزرگی مثل نیوکاسل و پاری سن ژرمن توسط سرمایه‌داران متمول عرب و امریکایی و تغییر نام ورزشگاه تیم‌های مختلف برای کسب پول و درآمد بیشتر گرفته تا حتی خرید امتیاز میزبانی جام جهانی. انگار دیگر مرزی برای اصل ماندن فوتبال وجود ندارد و همه چیز در این دنیای جدید قابل خرید و فروش است فقط کافی است پول آن را بپردازید. با این توصیفات باید فوتبال را پدیده دانست که در حال حل شدن در نظم نوین جهانی است؛ اما «فرانکلین فوئر» با کتاب خود در تقابل با این دیدگاه، قصد دارد نشان دهد که روند جهانی‌سازی در نابود کردن فرهنگ‌های سنتی و بومی دنیای فوتبال، دشمنی‌های داخلی و فسادهای محلی ناموفق و ناتوان بوده است و چه بسا باعث رشد فوتبال و سفر آن به دور افتاده‌ترین نقاط این کره خاکی شده است.

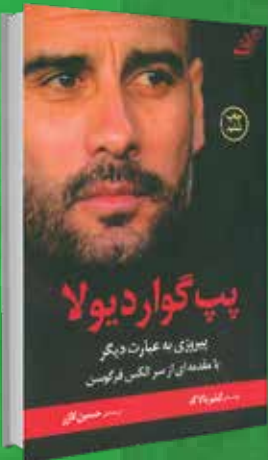
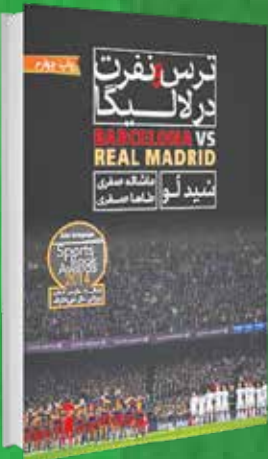
این صدر نازنین

شاید تعداد افرادی که حاضر باشم برای شنیدن صحبت‌هایشان اطرافیانم را به سکوت فراخوانم انگشت‌شمار باشند، اما کسی که عضو همیشگی این لیست به شمار می‌رفت «حمیدرضا صدر» فقید بود. چه وقت‌هایی که قرار بود از سینما سخن بگوید و چه زمان‌هایی که می‌خواست از فوتبال و مخلفاتش صحبت کند طوری من را جادو می‌کرد که انگار جز او سخنوری در این جهان نیست. من با حمیدرضا صدر از طریق خواندن مقالاتش در ماهنامه هفت آشنا شدم و با دنبال کردن صحبت‌هایش در پیش بازی‌های لیگ قهرمانان اروپا شیفته‌اش شدم؛ لحن و کلام صدر گرمایی داشت که همیشه من را میخکوب می‌کرد، او بزرگترین مربی کلمات بود، جوری کلمه‌ها را کنار هم می‌چید که انگار ترکیب بهتری برای آنها وجود ندارد. هر چند به نظر در بعد تحلیل فنی و تاکتیکی فوتبال کمی لنگ می‌زد و بازی را با اختلاف کم به «مرتضی محمصص» و «امیر حاج‌رضایی» واگذار می‌کرد؛ اما دیگر ابعاد فوتبال را طوری درک و روایت می‌کرد که همانندی نداشت. همه اینها را گفتم که بگویم که حمیدرضا صدر چقدر نگاه متفاوتی به فوتبال داشت و خوانش دیدگاه‌های او در مورد چیزی که عاشقانه دوستش می‌داشت چقدر می‌تواند ناب و جذاب باشد. صدر در کتاب «نیمکت داغ، از حشمت‌الله مهاجرانی تا الکس فرگوسن و ژوزه مورینیو» به تعریف داستان ۳۴ مربی تاریخ‌ساز می‌پردازد و تأثیراتی را که هر یک از آنها در بعد فنی و تاکتیکی پر دنیای فوتبال گذاشته‌اند بررسی می‌کند. نگاه صدر در نیمکت داغ همانند دیگر آثارش آمیخته با هنر و سینماست و از این دریچه به فوتبال می‌نگرد و پر از نقل قول‌هایی است که در ذهن شما نقش می‌بندد و باعث می‌شود آنها را بارها و بارها مرور کنید.



من با تو هیچ رفاقتی ندارم، تو دشمنی!

«ترس و نفرت در لالیگا» یک شاهکار است، بدون کم و کاست، داستان دشمنی بارسلونا و رئال از ریشه‌های ابتدایی تا دوران مدرن. کتاب را «سید لو» نوشته که در بین انگلیسی‌زبان‌های حوزه فوتبال اسپانیا کسی به گرد پایش هم نمی‌رسد. کتاب پر است از مدرک و توضیح و تشریح. هر مساله‌ای از هر دو سمت بررسی شده و در نهایت قضاوت هم به خود خواننده واگذار می‌شود. ترس و نفرت در لالیگا یک تاریخ‌ظریف، بازبین‌گرایانه و پر محتوا است که فراتر از ورزش می‌رود. لو این داستان رقابت را با تاریخ و فرهنگ اسپانیا به هم می‌دوزد، با تأکید بر اینکه این فقط درباره فوتبال نیست. درباره زخم‌های به جا مانده از جنگ داخلی می‌گوید و عصر طلایی مادرید در دهه پنجاه زمانی که پنج بار قهرمان اروپا شدند، درباره تیم رؤیایی یوهان کریف، تیم کپکشان‌نفرین شده و «خیانت» لوئیز فیگو. لو با کاوش در تاریخ، سیاست، فرهنگ، اقتصاد و زبان، در حالی که هرگز درام درون زمین را فراموش نمی‌کند، رابطه این دو غول فوتبال را نمایش می‌دهد و داستان واقعی پشت دشمنی عمیق این دو باشگاه را نمایان می‌کند. کتاب از ۱۹ فصل و یک پیوست تصاویر تشکیل شده. داستان از دلایل شروع دشمنی این دو تیم شروع شده و تا دوران معاصر ادامه پیدا می‌کند. دوسه فصل کتاب بسیار خواندنی هستند، یکی فصل مربوط به باخت ۱-۱۱ بارسلونا برابر رئال و دیگری ماجرای تاریخی قرارداد «دی‌استفانو» با هر دو تیم. خواندن این کتاب را از دست ندهید که از گفتن خواهد رفت!



آخرین مردمقاوم، گواردیولا و زیبایی‌ای که به فوتبال برگرداند

«دقیقه هشتم بازی، تیم بارسلونا هنوز هماهنگی خود را پیدا نکرده است، بازیکنان همگی در موقعیت‌های درستی قرار دارند اما هیچ کدام از آنها نمی‌خواهند حرکت کنند و به جلو بروند و بازیکن صاحب توپ با تحت فشار قرار دهند. آنها با هم پاس‌های زیادی رد و بدل می‌کنند و بیشتر به فکر حفظ توپ هستند و تحت تأثیر نام بزرگ منچستر یونایتد قرار گرفته‌اند. رونالدو شوتی را روانه دروازه می‌کند که توسط ویکتور والدز دفع می‌شود. منچستر یونایتد در حال نزدیک‌تر شدن است، شوت بعدی هم به سمت دروازه والدز شلیک می‌شود. رونالدو از راه دور شوت می‌زند، توپ با اختلاف اندکی به فاصله چند سانتیمتر به خارج زمین می‌رود. چند سانتیمتری که می‌توانست نظر دنیا را نسبت به پپ گواردیولا و انقلاب نیوکمپ‌اش تغییر دهد». این بخشی از کتاب «گواردیولا: پیروزی به عبارت دیگر» است که به یکی از ۱۰ دقیقه‌های اضطراب‌آور زندگی من هم اشاره می‌کند چون نگارنده این متن یک بارسلونایی دو آتشه است! گواردیولا بدون شک بزرگ‌ترین مربی زنده زمین است و باز تنها مربی زنده‌ای که در سطح اول فوتبال دنیا بیش از ۱۰ سال فعالیت کرده و اخراج نشده و مجدداً تنها مربی زنده که هنگام اعلام خروجش از یک تیم حتی یک نفر هم از رفتنش راضی نبود؛ قطع همکاری او با بارسلونا هنوز بزرگ‌ترین افسوس هواداران این تیم است. داستان موفقیت چنین مربی خارق‌العاده‌ای را نباید خواند؟ معلوم است که باید خواند. کتاب را «گیلم پالاگه» نوشته و نشر کوله‌بشتی منتشر کرده. فقط قبل خواندن کتاب رسم‌الخط عجیب و غریبش را یک نگاهی ببندارید، اگر اعصابتان کشید، بعد بخوانیدش!



دوران سازندگی، تنها با یک مربی!

دیوید پیس نویسنده انگلیسی‌دو اثر داستانی فوتبالی دارد، یکی یونایتد نفرین شده در مورد برابیان کلاف و دیگری فرمز باش یا بمیر در مورد بیل شنکلی. اولی را نشر چشمه با ترجمه حمیدرضا صدر خدایامرز و دومی را نشر گلگشت با ترجمه علی‌امیری فر منتشر کرده است.

انتخاب از بین این دو برای من

خیلی سخت است اما

تصمیم گرفتم

که «فرمز

باش

یا

فوتبال

و کتاب باید

دوقوله جدا از هم

باشند، اما اینگونه نیست.

نه تنها اینگونه نیست بلکه

خیلی هم آنگونه است و فوتبال

بخش مهمی از ژانر ادبیات ورزشی

را در سراسر جهان شکل می‌دهد.

کتاب‌های فنی، کتاب‌های فنی ساده

فهم، سرگشت و زندگی‌نامه، تاریخ

فوتبال، فوتبال در ارتباط و تأثیر و تأثر با

علوم اجتماعی، اقتصاد فوتبال و حتی

رمان و نمایشنامه از شاخه‌هایی هستند

که فوتبال در ادبیات ورزشی با آنها

خودنمایی می‌کند. حالا که روزهای

جام‌جهانی‌ای می‌گذارنیم و تب و تاب

این جام تمام جهان را در نور دیده

بهتر دیدیم که تعدادی از

کتاب‌های مطرح و همچنین

تعدادی از کتاب‌های

کمتر شناخته شده

ادبیات

بمیر

را پیشنهاد

بدهم. بخشی زیادی

از یونایتد... باراوی دوم شخص

نوشته شده که خواندنش را سخت

می‌کند. فرمز باش... اثری است حجم‌تر

اما هم خوشخوان است و هم فوتبالی‌تر.

فرمز باش یا بمیر، شرح سازندگی است.

تبدیل بدترین تیم تاریخ لیورپول، به

بهترین تیم بریتانیا. شیوه‌ای که پس

از استعفای بیل شنکلی، با بازیکنان و

دستیاران او منجر به چهار قهرمانی اروپا

طی هفت سال شد و از آن به‌عنوان

یکی از بهترین تیم‌های تاریخ فوتبال

یاد می‌شود. و اگر می‌خواهید بدانید

شنکلی کیست: ویلیام (بیل) شنکلی

از خانواده‌ای معدنچی در روستایی دور

افتاده در اسکاتلند می‌آمد. آخرین پسر

خانواده‌ای ۱۰ نفره در خانه‌ای کوچک

بود و از همان نوجوانی، او هم مانند

پدر و برادرانش کار در معدن را آغاز کرد.

وقتی معدن بسته شد، او هم مثل چهار

برادر خود سراغ فوتبال رفت. مدت

کمی در کارلایل و تا انتهای دوره بازی در

پرستون بود و با این تیم به قهرمانی جام

حذفی انگلستان در دهه سی دست

یافت. به پیراهن تیم ملی اسکاتلند

هم رسید و یکی از بزرگ‌ترین افتخارات

زندگی‌اش زمانی بود که در آخرین

بازی ملی خود، برابر انگلستان بازوبند

کاپیتانی را بست. بقیه‌اش را هم در

رمان بخوانید!

